

موج کوتاه و بحرِ طویل نقدی بر گفتار انتخاباتی اصلاح‌طلبان

آغاز

با ورود به فضای انتخابات بخشی از اصلاح‌طلبان تنها راه پیروزی در آن را ایجاد موجی^۱ در جامعه می‌دانند که به یاری آن با کنار زدن احمدی‌نژاد و دولت او، کشور را از مشکلات و گرداب ناهنجاری‌های فرهنگی و سیاست خارجی و اقتصاد نجات دهند.^۲ حمایت از کاندیداتوری خاتمی نیز بر پایه همین نظریه است زیرا آنان بر این باورند که «خاتمی از محبوبیت و مقبولیت مردمی برخوردار بوده و حضورش زمینه‌ساز افزایش مشارکت مردم در انتخابات^۳ خواهد بود. به باور این افراد، خاتمی «طرفیت اجماع و ائتلاف بین اصلاح‌طلبان را داراست»^۴ و از پراکندگی آرای اصلاح‌طلبان جلوگیری خواهد کرد. نظریه‌پردازان موج، حتی یکپارچگی جناح مقابل را به سود خود ارزیابی می‌کنند، چرا که به تصور آنان فضای دوقطبی به حضور بیشتر مردم در انتخابات کمک خواهد کرد و شرایط را برای ایجاد موج، مناسب‌تر خواهد نمود.^۵ هدف اصلی البته از ایجاد موج، نه فقط بازگرداندن اصلاح‌طلبان به دولت، بلکه «دفع شری» است که در گفتار این گروه به صورت توصیف وضعیت بحرانی کشور نمود پیدا می‌کند.

اگر فرض بر این است که «موج» مذکور باید با مشارکت گروه‌های گسترده جامعه که عجالتاً بیرون از حلقه بسته اصلاح‌طلبان حکومتی قرار دارند، به وجود آید، مسلم و مشخص است که این امر فقط و فقط با گفتار مبنی بر «دفع شر» میسر نخواهد شد. تجربه هشت ساله زمامداری

خاتمی، بخش گسترده‌ای از نیروهایی را که در ادوار پیشین از وی حمایت کرده‌اند، دلسرد و حتی دلزده کرده است و برای بازگرداندن اعتماد از دست رفته این گروه و جلب مشارکت‌شان برای ایجاد موج، این افراد دست کم انتظار دارند پاسخ‌هایی روشن و شفاف به پرسش‌هایی در خصوص ماهیت این موج و سرنوشت آن داده شود. پرسش‌هایی از قبیل: موج مفروض چه نیروها و جریان‌ها و چه بخشی از جامعه و نیروهای سیاسی را دربر خواهد داشت؟ مطالبات و خواسته‌ها و انگیزه‌های این نیروهای پراکنده در موج چیست و چگونه آن‌ها پی‌گیری خواهند شد؟ نیروها و جریان‌های محرک و مولد اولیه این موج با چه گفتاری قصد جلب دیگران را دارند؟ این موج با چه ساختار و مدیریتی در جهت نیل به هدف خود یعنی پیروزی در انتخابات حرکت خواهد کرد؟ آیا در هدایت و رهبری آن همه اجزای موج به وزن خود دارای سهم خواهند بود؟ و مهمتر از همه آن که عاقبت این موج، پس از رسیدن به ساحل مقصود که پیروزی خاتمی و اصلاح‌طلبان مجاهدین-مشارکت محور است به کجا خواهد انجامید؟ در خطوط آینده تلاش می‌کنیم از رهگذر بررسی گفتار انتخاباتی نظریه‌پردازان و حامیان نظریه موج، بر اهمیت پاسخگویی به پرسش‌هایی از این دست تأکید کنیم.

اجزای موج

در میان اظهارنظرهای کلی و سربسته قائلان به نظریه موج درخصوص تصورشان از اجزای تشکیل‌دهنده این موج و نیروهای متشکل آن، تنها، مقاله آماری و تحلیلی سعید شریعتی عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت را می‌توان یافت که به جزئیات می‌پردازد و چشم‌انداز جریان متبوعش را از ائتلاف‌ها و مواضع نیروهای سیاسی و پایگاه‌های اجتماعی آنان تا حد زیادی ترسیم می‌کند. شریعتی بر پایه بخشی از یافته‌های پیمایش‌های نگرش‌سنجی‌های اخیر، گزاره‌هایی ارائه می‌دهد، که در میان آن‌ها تنها در یک حالت است که اصلاح‌طلبان متبوع او در انتخابات آتی پیروز خواهند شد: کاندیداتوری خاتمی و ایجاد فضای دوقطبی در انتخاباتی آزاد، عادلانه و بدون مسئله. در این وضعیت، او پیش‌بینی می‌کند اصلاح‌طلبانی که بلاشرط در انتخابات حضور پیدا خواهند کرد (اعتماد ملی، کارگزاران، اعتدال و توسعه) و اصلاح‌طلبانی که بشرط پای به مبارزه انتخاباتی خواهند یافت (فعال: مجمع روحانیون، جبهه مشارکت، سازمان مجاهدین و ملی-مذهبی؛ منفعل: بخشی از ملی-مذهبی و نهضت آزادی) اجزای تشکیل‌دهنده موج بوده و انتخابات با ۷۰ درصد مشارکت مردمی و با آرای ۵۷ به ۴۳ در دور اول به سود خاتمی و با شکست احمدی‌نژاد به پایان خواهد رسید.^۶ به ارزیابی این ارقام از منظر واقع‌بینی در این نوشته نخواهیم پرداخت. در اینجا فقط می‌خواهم به این مسئله پردازم که آیا

این همان موج مورد نظر اصلاح‌طلبان مدافع کاندیداتوری خاتمی است یا نه؟ یکی از دلایل اصرار بر حضور محمد خاتمی در انتخابات، وجود شائبه‌هایی است در سلامت انتخابات. مرتضی حاجی مدیرعامل بنیاد باران این موضوع را به این صورت بازگو می‌کند: «باید گروه‌های اصلاح‌طلب از آقای خاتمی بخواهند که وارد عرصه شود چراکه محبوبیت بالای ایشان و تفاوت بالای میزان رأی ایشان با رأی نامزد رقیب حاشیه امنی ایجاد خواهد کرد و امکان دستکاری در نتایج آرا را بسیار مشکل می‌کند.»^۷ به این اعتبار آن موجی که نظریه‌پردازان اصلاح‌طلب در صدد ایجاد آن هستند تنها با حمایت - به زعم سعید شریعتی - اصلاح‌طلبان بلاشروط و بشرط از کاندیدای اصلاح‌طلب حاصل نخواهد شد و به حمایت بخش‌های دیگری از جامعه نیاز دارد. یعنی همانطور که در قطعنامه دوازدهمین کنگره سازمان مجاهدین که در مرداد ماه امسال برگزار شد در توجیه حمایت از کاندیداتوری خاتمی می‌خوانیم: «کاندیدای اصلاح‌طلبان باید از چنان ظرفیت و مقبولیتی در اقشار مختلف جامعه برخوردار باشد که بتواند در بخش بی‌تفاوت و میانی جامعه انگیزه لازم را برای شرکت در انتخابات ایجاد کند و به این ترتیب با افزایش مشارکت جامعه در انتخابات آثار منفی ناشی از تقلبات و اعمال نفوذهای محتمل در انتخابات را به حداقل برساند»^۸.



پس اگر بخواهیم واقع‌بینانه به آرایش موج متصور از سوی نظریه‌پردازان آن نگاه بیاندازیم باید به طیفی وسیع از جامعه که خواهان تغییر در وضعیت موجود هستند اشاره داشته باشیم. طیف گسترده‌ای که با توجه به تکثر دیدگاه‌های موجود در جامعه، هم ارزیابی متفاوتی از محمد خاتمی دارد و هم مطالباتی متفاوت با جمعی که قرار است حول خاتمی گرد بیایند.

مطالبات موج

درخصوص اینکه پیروز این موج چه مطالباتی را نمایندگی خواهد کرد یا برآورده شدن چه خواسته‌هایی را وعده می‌دهد دو دیدگاه در دو گفتار متفاوت دیده می‌شود. گفتار نخست بر تبیین مطالبات خود و تشریح مبنای نظری و رویکرد خود به اصلاحات تأکید دارد. در این گفتار لزوم حضور دین در عرصه‌های مختلف جامعه و سیاست و گام برداشتن در راستای دفاع از ارزش‌های انقلاب،^۹ پررنگ هستند. مبلغان این گفتار برآنند که باید با روشن کردن رویکرد خود به اصلاحات جای هیچ خرده‌گیری را در پی‌گیری اصلاحات باز نگذارند. و تلاش دارند گفتاری در پیش گیرند تا از بار شدن مطالبات ناهمخوان بر موج اجتناب شود. نمونه بارز این رویکرد را در گفتار خود خاتمی می‌توان یافت. او حرف‌ها و حدیث‌ها یا به عبارت مناسب‌تر مجادلات پیرامون انتخابات را بر سر این می‌داند «که چگونه بتوان این انقلاب و نظام را بهتر حفظ و به مردم بزرگوار و برای عزت ایران خدمت کرد.»^{۱۰} او بر این باور است «جامعه ایرانی دارای تعلقات عمیق دینی است که مظاهر آن را در جای جای زندگی مردم از تولد تا مراسم ازدواج و عزاداری و ... می‌توان به روشنی دید. در کنار این امر، مردم ایران قریب یکصد و پنجاه سال است که به جد خواهان آزادی، استقلال، پیشرفت و عدالت هستند و از همین رو این خواسته‌ها به همراه تعلقات دینی، منشاء تأسیس نظامی شد که قرار بود هم تعلق دینی و هم خواسته‌های تاریخی ایرانیان را تأمین کند.»^{۱۱} او در جلسات تبیین مبنای نظری اصلاحات به پررنگ کردن تمایز دیدگاه خود با دیگر اندیشه‌های ساری در فضای فکری ایران می‌پردازد. او با اشاره به باور خود که دین اسلام «علاوه بر اعتلای جان آدمی که هدف غایی دین است، خواستار جامعه مطلوب، انسانی و برخوردار است و نسبت به این مسأله موضع دارد» به جدایی راه خود از لائیسیت و سکولاریته تأکید می‌کند.^{۱۲} ضمن آن‌که دموکراسی سازگار با دین که او مراد خود از مردمسالاری می‌داند و معتقد است جنبش اصلاحات بر آن پا می‌فشارد و باید بفشارد، را با لیبرال دموکراسی نیز متفاوت می‌داند چرا که بر این باور است که «تحقق لیبرال دموکراسی‌های کنونی همزمان، همراه و مستلزم ایجاد نظام سلطه بین‌المللی شده است که بزرگترین ظلم‌ها را بر اکثریت مردم جهان اعمال کرده است. درست در همین جاست که

دین که می‌تواند چاره‌ساز باشد.»^{۱۳}

گفتار دیگری نیز در میان اصلاح‌طلبان جریان دارد، که بر طرح مطالبات حداقلی تأکید دارد و بر راهبرد «مطالبات حداقلی، ائتلاف حداکثری و مشارکت حداکثری» هنوز پایبند است. یعنی همان تاکتیک سه وجهی‌ای که در پاسخ به چرایی عدم ادامه همگامی جامعه با اصلاح‌طلبان در انتخابات شوراهاى دوم و پس از آن تدارک دیده شده‌است. آنان روی‌گردانی جامعه را به خستگی، ناامیدی و قهر مردم و عدم حمایت برخی نیروهای سیاسی و احزاب را با انفعال و غرض‌ورزی‌های شخصی مربوط می‌دانند. این نظر در میان اصلاح‌طلبان رایج است که در دوره اصلاحات خاتمی با طرح برخی مطالبات حداکثری و بالا رفتن سطح توقع جامعه از اصلاح‌طلبان، از آنجا که دست‌یابی به حداکثر مطالبات اعلام شده به ویژه با توجه به محدودیت‌های موجود، ناممکن شد، دستاوردهای اصلاحات نادیده گرفته شده و کل ماجرا به نوعی شکست تلقی گشت. بر این اساس آنان بر این نظر پای می‌فشارند که امروز باید کف مطالبات را مطرح کرد. این عده وعده مطالبات حداکثری را به زیان خود ارزیابی می‌کنند و بر این باورند که با ملاحظه سلايق گوناگون و نظرات مشتت در جامعه انتظارات حداکثری راه به جایی نخواهد برد. آنان خود از گستردگی و پراکندگی مطالبات اجزای موج مورد انتظار خود باخبرند و بر حداقل تأکید دارند.^{۱۴} حتی برخی از آنها آنقدر در حداقل کردن این مطالبات جانب افراط را پیش می‌گیرند که رسماً اعلام می‌کنند هیچ‌قولی نخواهند داد که خاتمی وضع را بهتر کند.^{۱۵}



در نتیجه و به طور خلاصه می‌توان گفت که برای ایجاد موج، اصلاح‌طلبانی که از کاندیداتوری خاتمی دفاع می‌کنند بر دو گفتار متفاوت تکیه می‌کنند: یکی بر وجود یک هسته مرکزی منظم و متکی به دیدگاه دینی پا می‌فشارد و بر این باور است که حلقه‌های متعدد به خودی خود حول این «تنها آلترناتیو واقعی» ایجاد خواهد شد تا پیروزی میسر گردد. دیدگاه دوم بر نوعی بسیج توده‌وار حساب می‌کند که از مشخصه‌های آن و اصولاً شرط وجودی‌اش در فقدان شفافیت است و به عبارتی «هر کسی از ظن خود» به آن می‌پیوندد.

دفع شر

تاکتیک دفع شر، اتخاذ سیاستی الغاگرانه است که عمدتاً خارج از چارچوب خردورزی قرار می‌گیرد و بسیاری از سیاست‌مداران در دوره‌های مختلف به آن تمسک جسته و می‌جویند. یقیناً یادآوری وجود یک شر، انزجاری اخلاقی ایجاد می‌کند، بسیج سیاسی را تسهیل می‌کند، هدفی روشن، ساده و متحدکننده به دست می‌دهد، و در عین حال از پرداختن به این موضوع تفرقه‌افکن پرهیز می‌کند که چه چیزی باید جایگزین آن شر شود. این سیاست عموماً در مواقع اضطرار یا به هنگام وجود یا توهم بحران اتخاذ می‌شود.

این تأکید و تمرکز بر دفع شر به خودی خود مذموم نیست، مسئله بر سر شرایط تاریخی - اجتماعی رجوع به این نوع گفتار است. شرایطی که می‌توانند آن را تا سطح نوعی گفتار پوپولیستی تنزل دهند و یا آن را به گفتاری بی‌حاصل تبدیل کنند. ادعای من این است که با توجه به ارزیابی جامعه از تجربه زمامداری سابق محمد خاتمی، این گفتار هم تنزل گفتار سیاسی به سطح پوپولیستی است و هم بی‌حاصل خواهد ماند. برای اثبات این ادعا باید به دلیل جدایی بسیاری از افراد جامعه، نیروهای سیاسی و اجتماعی از کاروان اصلاحاتی که یکبار خاتمی حمله‌دار آن بود توجه کنیم. زیرا حتی اگر بپذیریم که اجماعی نیز بر سر «دفع شر» وجود دارد معلوم نیست که خاتمی و اصلاح‌طلبانش بهترین گزینه برای انجام آن باشند. فراموش نکنیم آن دوران نیز با حضور موج‌دار مردم آغاز شد و از جمله به دلیل ابهامات در گفتمان، با خروج مردم و در نتیجه سکون سیاسی، پایانی تلخ یافت.

خروج، اعتراض، وفاداری

به نظر می‌رسد که بسیاری از کسانی که در زمره حلقه کوچک نزدیکان به محمد خاتمی نبودند، پیرو ارزیابی‌شان از دوره زمامداری وی و در مخالفت با راهی که او برگزید، خروج از جمع هواداران وی را مناسب‌ترین گزینه دانسته‌اند. خروج حامیان اجتماعی احزاب به معنی از

دست رفتن پایگاه اجتماعی آن حزب است و این یعنی تضعیف شدید آن حزب و نیروی سیاسی در عرصه قدرت. یعنی همان چیزی که به باور من، بر سر نیروهای جبهه دوم خرداد آمد و در انتخابات دوم شوراها و سپس در انتخابات ریاست جمهوری نهم آشکار شد. یعنی خروج حامیان مردمی حرکت دوم خرداد.

در حوزه سیاست، معمولاً خروج اولین گزینه نیست.^{۱۶} طرفداران یک حزب یا هواداران یک جنبش ترجیح می‌دهند که پیش از خروج، گزینه اعتراض را انتخاب کرده و از این طریق تلاش کنند کاستی‌های سازمانی و اجرایی و دیدگاهی حزب یا جریان محبوب‌شان را تصحیح کنند. در واقع خروج تنها زمانی به وقوع می‌پیوندد که هواداران به کل از تأثیر مثبتی که اعتراض‌شان می‌تواند داشته‌باشد ناامید شده‌اند. هر چه شرایط برای وفاداری حامیان کمتر فراهم باشد، احتمال گزینه خروج از گزینه اعتراض بیشتر خواهد بود. منظور از فراهم بودن شرایط برای وفاداری آن است که دست‌کم مطالبات معترضان به رسمیت شناخته شوند. اینک اگر چارچوبی نیز برای پیگیری این مطالبات در نظر گرفته شود، احتمال وفاداری بیشتر خواهد بود. نکته مهم اینک در حوزه سیاسی این خروج نه فقط به معنای رویگردانی از جریانی که به آن وابسته بوده‌ایم است که اغلب به رویگردانی - حتی موقتی - از توجه به مسائل عمومی نیز تبدیل می‌شود.^{۱۷}

اینک قرار بر این است که بر پایه یکی از دو گفتاری که در خطوط پیشین به آن اشاره شد افرادی را که نه فقط به اصلاح‌طلبی محمد خاتمی بی‌اعتماد شده‌اند، بلکه فعالیت سیاسی را بی‌حاصل می‌دانند به صحنه آورد و از آنان انتظار داشت در زمره وفاداران به خاتمی باقی‌مانند. به صراحت می‌توان گفت که در وضعیت فعلی این عمل به معجزه بیشتر شبیه خواهد بود تا به واقعیت. زیرا اگر به محتوای گفتارهایی بنگریم که بناست وفاداری این افراد بی‌اعتماد را مجدداً جلب کنند، نه فقط کمتر نشانه‌ای از تلاش در جلب وفاداری - جز همان استدلال «دفع شر» - نمی‌بینیم، که محتوای این گفتارها خود بر جو بی‌اعتمادی می‌افزاید. در واقع گفتار ناظر بر برنامه حداقلی، از همین امروز باب هر گونه اعتراض در آینده را می‌بندد و این امیدواری را که شاید بتوان پس از پیروزی احتمالی تأثیری بر این جریان گذاشت از همین امروز از بین می‌برد. و گفتار خود محمد خاتمی، راه را برای آنکه بتوان از نقطه نظرهای دیگری جز باورهای عقیدتی خود او و نزدیکانش به اهمیت اصلاحات صحنه گذاشت می‌بندد. و از همین امروز تمامی این گفتارها را با جریاناتی که «با نظام سلطه بین‌المللی که بزرگترین ظلم‌ها را بر اکثریت مردم جهان اعمال کرده است» همراه می‌داند. دعوت از افرادی که آنان را با این چوب می‌رانیم به پیوستن به «موجی» که می‌خواهیم به راه بیندازیم اگر نقض غرض نباشد، دست‌کم نادیده گرفتن وجود کمترین دید انتقادی برای این افراد است.

یادداشت‌ها:

۱ - برای نمونه بنگرید به:

۱. گفت‌وگوی محسن آرمین با خبرگزاری کار ایران (ایلنا) ۲۴-۶-۸۷ کاندیدای اصلاح‌طلبان باید کسی باشد که ظرفیت اجماع را داشته باشد و همچنین این توانایی را داشته باشد که بتواند در اکثریت خاموش جامعه انگیزه حضور در انتخابات را ایجاد کند و کاندیدا و رفتار انتخاباتی اصلاح‌طلبان باید به گونه‌ای باشد که حضورشان در جامعه موج ایجاد کند تا با افزایش مشارکت از آرای مردم صیانت شود.

<http://www.ilna.ir/shownews.asp?code=445950>

گفت‌وگوی نجفی با خبرگزاری جمهوری دانشجویان ایران (ایسنا) ۷-۸-۸۷ "اصلاح‌طلبان هم در این انتخابات پیروز نمی‌شوند؛ مگر اینکه موجی در جامعه ایجاد شود."

<http://isna.ir/ISNA/NewsView.aspx?ID=News-1206443>

۲- گفتگوی هدایت‌الله آقایی، عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی با روزنامه کارگزاران؛ دوشنبه ۱۳ آبان ۱۳۸۷

۳- آذر منصوری؛ «پیرامون تردیدها و پرسش‌های خاتمی»، روزنامه کارگزاران، شماره ۶۰۶، دوشنبه، ۱۵ مهر ۱۳۸۷

<http://www.kargozaaran.com/ShowNews.php?33338>

۴- همان

۵- بنگرید به گفتگوی تاج‌زاده عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت با خبرگزاری ایسنا در نمایشگاه مطبوعات «اگر آقای خاتمی در صحنه حضور پیدا کند، فکر می‌کنم در بین اصلاح‌طلبان اجماع صورت بگیرد، هم‌چنین در طیف مقابل ما نیز گروه‌ها پشت سر آقای احمدی‌نژاد قرار می‌گیرند و انتخابات دوقطبی می‌شود که البته انتخابات دوقطبی به سود کشور است؛ چرا که مشارکت مردم را گسترش می‌دهد و انتخابات پرشور می‌شود». در:

<http://www.yaarineews.com/default.aspx/n/1685/تحلیل-مصطفی-تاج-زاده-از-طرح-بحث-کاندیداتوری->

میرحسین موسوی

همچنین بنگرید: "مزیت انتخابات دوقطبی یا حضور خاتمی؟ سرمقاله عصر نو نشریه داخلی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی شماره ۸۱، دوشنبه ۱۴ آذر ۱۳۸۷، در:

<http://www.mojahedin-enghelab.net/ShowItem.aspx?ID=1283&p=2>

۶- رجوع کنید به: شریعتی، سعید؛ «آرایش نیروهای سیاسی در آستانه انتخابات ریاست جمهوری»، بنگرید در:

<http://saeedshariati.ir/air/archives/000207.php>

<http://www.mowj.ir/ShowNews.php?4659>

باید متذکر شد، دسته‌بندی نیروهای سیاسی در این مقاله کم و بیش بر مبنای همان دیدگاهی است که در دهه پیش بر اصلاح‌طلبان حکومتی غالب بود و آن هم نادیده‌گرفتن بخش‌های وسیعی از جامعه سیاسی ایران بویژه نیروهای سکولار و جنبش‌های اجتماعی چون زنان و دانشجویان است. تصرف انحصاری واژه اصلاح‌طلبی برای جریان‌های مطبوع خود، اطلاق باورمندان به دیدگاه عدم شرکت به تحریمیون و برابر دانستن آن با انفعال، بی‌توجهی به مطالبات اکثریت خاموش با بی‌تفاوت‌ها یا منفعلان نامیدنشان از دیگر ضعف‌های تکراری این تقسیم‌بندی است.

۷- سخنان مرتضی حاجی مدیرعامل بنیاد باران در نشست هفتگی حزب جوانان ایران اسلامی. روزنامه کارگزاران، شماره ۶۵۳، دوشنبه ۱۱ آذر ۱۳۸۷، صفحه ۳

همچنین علیرضا علوی‌تبار در گفتگویی با خبرگزاری کار ایران (ایلنا) اختلاف حداقل ۵ میلیونی آرا را برای مرتفع شدن مشکل قلب احتمالی لازم می‌شمارد. بنگرید در:

<http://www.ilna.ir/shownews.asp?code=445956>

۸- بنگرید در:

<http://www.mojahedin-enghelab.net/ShowItem.aspx?ID=1194&p=1>

این نکته را دبیرکل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی نیز اشاره دارد: «با حضور آقای خاتمی و مشارکت گسترده مردم فاصله آرا آنقدر زیاد خواهد شد که تحلفات چاره ساز نخواهد بود.» ضمیمه روزنامه اعتماد ۶-۹-۱۳۸۷ بنگرید در:

<http://www.etemaad.ir/Released/87-09-06/272.htm#124114>

۹- بنگرید به سخنان جلالی‌پور در نشست جوانان حزب جبهه مشارکت در بیستم ماه رمضان، در:

<http://www.nasrema.info/print.aspx?id=639>

۱۰- گفت و گوی محمد خاتمی با خبرنگاری کار ایران (ایلنا): « همه ما انقلاب و نظام را دوست داریم و ایرانی سربلند و با عزت می‌خواهیم و می‌خواهیم تهدیدها علیه کشور کمتر باشد و رهبری در اوج عزت باشد و هیچ کدامان نمی‌خواهیم ایران و انقلاب ذره‌ای لطمه ببیند. »

اگر حرف و حدیثی هست بر سر این است که چگونه بتوان این انقلاب و نظام را بهتر حفظ و به مردم بزرگوار و برای عزت ایران خدمت کرد.»

۱۱- خاتمی در دیدار با مدیرعامل و دبیران خبرگزاری کار ایران (ایلنا) ۱۳/۷/۱۳۸۷؛ بنگرید در:

<http://www.ilna.ir/shownews.asp?code=449317>

۱۲- محمد خاتمی در دومین جلسه تبیین مبانی نظری اصلاحات بنگرید در:

<http://www.ilna.ir/shownews.asp?code=459406>

۱۳- همان

۱۴- عرب سرخی، فضل‌الله؛ «ما و انتخابات»؛ روزنامه اعتماد، ضمیمه چهارشنبه ۶/۹/۱۳۸۷ در:

<http://www.etemaad.ir/Released/87-09-06/272.htm#124112>

۱۵- برای نمونه بنگرید به گفت‌وگوی محسن آرمین با روزنامه اینترنتی روز در ۳ مهرماه ۱۳۸۷ «ما به هیچ وجه این قول را نمی‌دهیم که با حضور آقای خاتمی همه مشکلات حل خواهد شد. چون مشکلات آن قدر زیاد است که در کوتاه مدت هیچ یک از گروه‌های داخل کشور قادر به حل آن نخواهند بود.» در:

http://www.roozonline.com/archives/2008/09/post_9293.php

۱۶. برای آشنایی با این سه مفهوم بنگرید به کتاب:

آلبرت هیرشمن: خروج، اعتراض، وفاداری؛ ترجمه محمد مالجو، نشر و پژوهش شیرازه، چاپ اول، تهران: ۱۳۸۲

۱۷. در این زمینه بنگرید به کتاب دیگری از آلبرت هیرشمن، دگر دیسی مشغولیت‌ها، ترجمه محمد مالجو، انتشارات علمی

و فرهنگی، تهران: ۱۳۸۵